

محمدحسین نظری، روزنامه‌نگار – هفتدهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی از پرتب‌وتاب‌ترین روزهای تاریخ این مرز و بوم است؛ از اوج‌گیری خشم انقلابی مردم علیه طاغوت و فرار شاه از کشور تا استقبال باشکوه از رهبر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی حوادثی است که در این روزها اتفاق می‌افتد. به همین بهانه از ۱۵ دی‌ماه تا ۲۲ بهمن ماه هر روز یک صفحه از حافظه تاریخ را ورق پیروزی زد. با روز شمار پیروزی انقلاب همراه باشید.

درباره دولت موقت مهدی بازرگان

لیبرال‌ها علیه انقلاب

فرههختگان اگرچه مهدی بازرگان در یک خانواده مذهبی و متدین متولد می‌شود، اما به گفته خودش او در سنین نوجوانی و جوانی تحت تاثیر تفسیر قرآن «بوالحسن خان فروغی» که فراماسون و از اعضای لژ فراماسونری بود قرار می‌گیرد که یک تفسیر علمی بود. پس از آن هم با سفر به فرانسه تحت تاثیر اندیشمندان مذهبی آنجا قرار می‌گیرد و نهایتا شیفته علوم تجربی می‌شود، تا آنجا که بعد ها اذعان می‌کند انسان با بهره‌گیری از علوم تجربی به آنجا می‌رسد که پیامبران با وحی می‌رسند. بنابراین مبانی فکری بازرگان چنان بود که تعالیم دینی و اسلامی را بر اساس منطق تجربی تحلیل می‌کرد. نمونه آن کتاب «راه‌طی‌شده» است که شهید مطهری در پاورقی کتاب اصول فلسفه آن را تقد می‌کند. بازرگان به عنوان یک فعال سیاسی از اوایل دهه ۳۰ تا سال ۷۰ در عرصه سیاسی فعال بود. بازرگان در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ معتقد بود که جوانان نباید به عرصه سیاسی وارد شوند. (از کتاب «بازی جوانان با سیاست») اما خود او در سالهای بعد پا به عرصه مبارزه گذاشت و در جبهه ملی و نهضت مقاومت ملی عضویت یافت. با آغاز دهه ۴۰ شمسی او نهضت آزادی را تاسیس کرد و فعالیت های سیاسی خود را در این دوره گسترش داد. او در سال ۴۱ سخنرانی تحت عنوان «مرز بین دین و سیاست» انجام می‌دهد و در آنجا اذعان می‌کند که دیانت باید بر سیاست مسلط شود که این باعث اصلاح سیاست و تعالی جامعه می‌گردد. بازرگان اما در سالهای بعد دچار چرخش های جدی میشود چنانکه در سال ۶۳ در یک جلسه با ۱۲ نفر از اعضای نهضت آزادی می‌گوید که اصلا پیامبران برای سیاست نیامده اند و سیاست از دین جداست. (به نقل از حسن یوسفی اشکوری)

حافظه

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ برابر با ۶ ربیع الاوله ۱۳۹۹ شماره ۱۵۷۷۴



در روزهای پایانی رژیم پهلوی امام خمینی شهید مطهری را مامور تشکیل شورای انقلاب می‌کند که همه اعضا از روحانیون بودند. امام دستور می‌دهند که غیر از روحانیون مبارز از روشنفکران مذهبی هم در این شورا استفاده شود که بعد با تصمیم اعضای اولیه شورا مهدی بازرگان، یدالله سجایی، حبیب‌الله پیمان و برخی دیگر از روشنفکران مذهبی وارد شورا می‌شوند. با تصمیم شورای انقلاب در ۱۵ بهمن ۵۷ بازرگان به سمت نخست وزیری دولت موقت منصوب می‌شود و ماموریت‌های اساسی به او محول می‌شود. ماموریت‌هایی که در حکم تنفیذ امام خمینی به آن اشاره شده است؛ «...جناب‌عالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و وابستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصا انجام رفراندم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید...». اما بازرگان در انتخاب اعضای کابینه خود هیچ توجهی به نظرات شورای انقلاب نمی‌کند و از قضا اعضای هیات دولت را کاملاً تحت تاثیر روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص انتخاب می‌کند. از این رو اولین دولت جمهوری اسلامی را کسانی تشکیل می‌دهند که یا کاملاً در برابر غرب منفعلند یا جاسوس بیگانگانند. در ادامه برخی اسناد مربوط به ارتباط اعضای دولت موقت با سفارت آمریکا را می‌خوانید.

اما نهضت آزادی در بدو تشکیل دارای سه جریان عمده و اساسی بود. یک جریان علمی به رهبری بازرگان و یدالله سجایی بود که خوانش متفاوتی از دین و اسلام داشتند. یک جریان هم افرادی نظیر امیر انتظام و عطایی و حسن نزیه بودند که اساسا غیرمذهبی و بلکه شدیدین بودند. جریان سوم هم افرادی بودند که تحت تاثیر آیت الله طالقانی قرار داشتند مثل شهید رجایی، شهید چمران و جلال‌الدین فارسی که جریان مذهبی نهضت آزادی را تشکیل می‌دادند.

بعد از تبعید امام خمینی در سال ۴۳ ما در داخل چیزی به نام نهضت آزادی نداریم و فعالیت این حزب عملاً متوقف می‌شود، اگر چه برخی چهره های آن نظیر آیت الله طالقانی و شهید رجایی و دیگران شخصا فعالیت‌هایی داشتند، اما فعالیت حزبی در کار نبود. بازرگان هم تا ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب، به جز انتشار برخی کتابها و جزوه‌ها و چند سخنرانی فعالیت سیاسی و مبارزاتی قابل توجهی نداشت. او در سال ۵۶ و ۵۷ همه توانش را مصروف فعالیت در کمیته ایرانی حقوق بشر کرد. در آنجا هم فعالیت او حزبی نبود و به جز یدالله سجایی کسی از نهضت آزادی با او همراهی نکرد. در واقع از سال ۱۳۴۳ تا ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اثری از نهضت آزادی در مبارزات علیه رژیم وجود نداشت. اما چرایی وجود انحراف فکری نهضت آزادی از اندیشه های امام و انفعال سیاسی و مبارزاتی آنها در سالهای قبل از انقلاب، رئیس و بدنه اصلی دولت موقت را اعضای نهضت آزادی و ملی مذهبی‌ها تشکیل دادند؟

بازرگان: قدران آمریکا هستیم

بعد از تشکیل دولت موقت مهدی بازرگان به عنوان رئیس این دولت بارها با سفیر ایالات متحده ملاقات کرده است. در این ملاقاتها علیرغم آگاهی بازرگان از موضع امام و انقلاب نسبت به آمریکا روابط گرمی با آنها داشته و در بسیاری از موارد اسرار نظام را بازگو کرده است. سند زیر یکی از مواردی است که در مجموعه اسناد لانه جاسوسی منتشر شده است:

از: سفارت آمریکا

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی.سی و فوری

طبقه‌بندی: محرمانه

شماره سند: ۴۶۷۹

موضوع: ملاقات با نخست وزیر بازرگان

(تمام متن محرمانه) این یک تلگراف گزارشی است.

کاردار تمایل به عادی ساختن پیوندهای آمریکای ایران را مورد بررسی قرار داد و تبلیغات علیه حکومت ایالات متحده را گوشزد و تأکید کرد که ایالات متحده به هیچ وجه در امور داخلی ایران مداخله نمی‌کند. بازرگان پایبندی شخصی خود را به روابط حسنه ایالات متحده آمریکا و ایران تأکید کرد و همچنین تمایل دولت موقت ایران را برای روابط اقتصادی حسنه و حتی توسعه یافته با ایالات متحده مورد تأکید قرار داد. نخست‌وزیر برای روش مساعد حکومت ایالات متحده نسبت به مسائل مربوط به خاتمه و ادامه قراردادهاستمداد کرد، بازرگان اظهار نظر کرد که یک یا دو ماه طول خواهد کشید تا طرح قانون اساسی مهیا شود، ولی گفت قانون انتخابات برای مجلس موسسان هم اکنون تکمیل شده است. یادداشتی شامل شرح حال بازرگان و انتظام، پایان خلاصه. ... بازرگان با توجه دادن به این نکته که او شخصا به مناسبات حسنه ایالات متحده و ایران نظر مساعد دارد پاسخ داد و به ارزش ملاقاتهای قبلی خود با سفیر سولیوان و مامور سیاسی اشاره کرد. مناسبات حسنه با ایالات متحده از اعتقادات شخصی نخست وزیر است و هنگامی که دادن پست وزارت امور خارجه به یزدی مورد بحث بود نخست وزیر از وی درباره این نکته پرسیده بود تا اینکه اطمینان حاصل کرده بود که یزدی از مناسبات دوستانه با ایالات متحده پشتیبانی می‌کند... و با ایران است صمیمیت دارد... بازرگان آنگاه گفت اگر حکومت ایالات متحده اطلاعاتی دارد که به ایران کمک خواهد کرد که از استقلال خود در مقابل دشمنان دفاع کند «ها قدردانی خواهیم کرد که اگر شما این اطلاعات را به ما برسانید» او خاطر نشان ساخت که انتظام معاون نخست وزیر در این مورد فرد مورد تماس باشد.

یزدی و انتظام یار ما بودند

در سند شماره ۱۴ مربوط به مهدی بازرگان که از در تاریخ ۶م ۱۹۷۹ از سفارت آمریکا به واشنگتن فرستاده شده، درباره امیر انتظام و نسبت او با بازرگان آمده است: انتظام و بازرگان: [امیر] انتظام اکنون به وضوح مرد دست راست نخست وزیر است. او چند سالی است با بازرگان نزدیک بوده ولی تنها قبل و بعد از موفقیت انقلاب شخصیت خود را پیدا کرده است. خروج یزدی از میان اطرافیان نخست وزیر در سیاست کلی دولت موقت ایران به انتظام نقش بزرگ‌تری داده است، از جمله سیاست خارجی که ملک مطلق یزدی به شمار می‌رفت. انتظام در حدود ۴۸ ساله است و درجه دکتری در اقتصاد از دانشگاه برکلی در کالیفرنیا به دست آورده است... بازرگان انتظام را به جای توکلی به عنوان تماس بگیر روز به روز نهضت آزادی ایران با سفارت چند هفته قبل از موفقیت انقلاب انتخاب کرد.

چه انتظام و چه بازرگان هر دو در جهان‌بینی غربی روشنفکری و راهی که زندگی باید در جهت آن حرکت کند با همدیگر سهیم‌اند. هر دو به طور تلویحی و ضمنی بیشتر از متفقین دینی خود در نهضت اسلامی به مفاهیم عقلایی غرب معتقد هستند. ... همچنین در این مجموعه اسناد و در سندی به تاریخ ۱۱ اسفند ۵۷ اشاره شده که «هم یزدی و هم انتظام دائماً در موضع یاری به ما بوده‌اند.»

در جایی دیگر، انتظام از وضعیت داخلی ایران اطلاعات مهمی را به سفارت آمریکا می‌دهد که بخشی از این اطلاعات در شرایط بحرانی ایران به شرح زیر است: «انتظام اقرار کرده که حکومت مشکلات داخلی دارد... او گفت بررسی قراردادهای آمریکا تا دو هفته دیگر تمام خواهد شد. اشاره کرد که نیروی هوایی عملاً قطعات پدکسی هلیکوپتر ندارد. تعویض‌ها مشکل هستند چون در آمریکا اشکالاتی هست. او از هشت میلیون دلار قطعات یدکی دولت ایران که در تگزاس مانده یاد کرد...». اقدامات امیر انتظام برای عادی‌سازی رابطه با آمریکا آقدر به مذاق آمریکایی‌ها خوش آمده بود که از وی تشکر کردند. به نقل از کارمند سفارت آمریکا؛ «هن از انتظام به خصوص در مورد اقداماتش برای تسهیل حرکت به طرف عادی کردن روابط مفید دوجانبه در دوره بعد از انقلاب تشکر کردم و متذکر شدم که به نظر ما مصاحبه‌اش در ۲۱ ژوئن در این مورد بسیار مفید بوده است.»

ارتباط با یزدی اهمیت زیادی دارد

یکی از حامیان و مرتبطین سفارت در دولت موقت ابراهیم یزدی است. از قرار معلوم جیمز بیل (ایرانشناس معروف آمریکایی) طی مصاحبه‌ای با مجله تایم بیان می‌کند که طرفدارانی از آمریکا در میان مقامات دولت موقت وجود دارند. وی از انتظام و ابراهیم یزدی اسم می‌آورد. سفارت این کار را مذمت می‌کند: «ظهارات یوزفسور جیمز بیل در مجله تایم در مورد احساس طرفداری از آمریکا در میان مقامات عالی‌رتبه رهبری فعلی مذهبی در روزنامه‌های محلی پخش می‌شود. متأسفانه بیل از یزدی و انتظام که هر دو از افراد مهم دولت بازرگان هستند، اسم می‌برد. در شرایط فعلی این عمل قطع می‌تواند به آنها صدمه بزند و ممکن است به این منجر شود که آنها گامی به جهت «ثبات» اینکه «عامل» آمریکا نیستند، بردارند.» سپس سولیوان تأکید می‌کند که ارتباط با یزدی و انتظام از افراد دیگر اهمیت بیشتری دارد و وابستگی سفارت به کمک‌های این دو بیش از دیگران است؛ بنابراین من م‌کدام می‌خواهد که چنین اتفاقاتی دیگر تکرار نشود: «از آنجا که سفارت برای کمک‌های عملی بسیار گسترده به این دو در میان سایرین وابسته است. چنین حادثه‌ای (مصاحبه جیمز بیل) ممکن است به تنهایی انگاس به خصوصی داشته باشد. این مسئله یک بار دیگر مضر بودن اظهارنظرهای هر مقام مهم رسمی و غیررسمی را در مورد ایران نشان می‌دهد. مردم عامی ایران فریق بین رسمی و غیررسمی را نمی‌دانند.»

در یکی از اسناد آمده است که: «... او در همان گفت‌وگویی خصوصی روشن ساخت که بسیار امیدوار است از طرف آمریکا سفیر جدیدی که نسبت به انقلاب نظر مساعدی داشته باشد تعیین شود. ما گمان می‌کنیم یزدی از آن هراس دارد که ایالات متحده ممکن است درصدد سرنگونی رژیم اسلامی باشد و او خود قصد دارد، شخصا روابط آمریکا و ایران را طوری سامان دهد که از انقلاب حمایت کند.»

در اسناد متعددی که از جلسات یزدی با اعضای سفارت منتشر شده او اطلاعات مهمی را در اختیار آنها می‌گذاشته است. «و اما درباره تهدید خمینی به لغو قرارداد‌های نفت با ایالات متحده، یزدی گفت این مساله بستگی به آن خواهد داشت که ایالات متحده آمریکا بین زمان حال و روزی که شاه سقوط می‌کند چگونه رفتار خواهد کرد. هنگام جدا شدن از یکدیگر ما توافق حاصل کردیم که هیچ کدام از ما قبول نخواهد داشت که هر گونه تماس رسمی بین خمینی و حکومت ایالات متحده صورت گرفته است.»

میناچی؛ وزیر اطلاعات آمریکا

جاسوسان سفارت آمریکا، با توجه به نزدیکی میناچی به سید کاظم شریعتمداری، همیشه دنبال آگاهی از نظرهای او در این زمینه بوده‌اند. ماموران سفارت درباره وی چنین می‌گویند: «میناچی همیشه به شریعتمداری خیلی نزدیک بوده است... میناچی گفت: «هربران مذهبی اکنون برای وحدت کوشش می‌کنند.» او به هر حال، شکی باقی نگذاشت که تفاوت‌های جدی بین خمینی و شریعتمداری وجود دارد. «ارادت آمریکایی‌ها به میناچی به اندازه‌ای است که از وی برای آزادی برخی اعضای حزب کارگران سوسیالیست ـ که با اتباع آمریکا ازدواج کرده‌اند ـ کمک می‌خواهند و وقتی جواب مثبت او را می‌شنوند، می‌نویسند: «این یک حقیقت ناخوشایند است که کنترل اداره دادگستری ایران در قسمت انقلابی در اختیار اشخاصی مانند او نیست.»

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه

تاریخ: اول مارس ۱۹۷۹-۱۰ اسفند ۵۷

تمامی متن خیلی محرمانه است.

خلاصه: وزیر اطلاعات و جهانگردی و اوقاف دکتر ناصر میناچی (قویا حفاظت شود) قسمتهایی از قانون اساسی جدید ایران را مورد بررسی قرار داد. ایران یک رئیس، ایران یک رئیس جمهور انتخابی و یک مجلس و قانون اساسی قوی بر اساس حقوق بشر خواهد داشت. ماموران سیاسی در اول مارس با میناچی وزیر اطلاعات ملاقات کردند. میناچی به بحث پیرامون فساد وسیعی که در اثر بررسی پرونده‌ها توسط دولت جدید کشف شده بود پرداخت و اطلاعات زیر را درباره قانون اساسی جدید ایران در اختیار ما گذاشت. قانون اساسی که توسط یک کمیته پنج نفری طرح شده است اکنون توسط آیت الله خمینی و دیگر رهبران مذهبی تحت بررسی قرار دارد. عناصر اصلی قانون اساسی یک شورای سرپرستی را که از قانون اساسی نظارت و حفاظت خواهد نمود در نظر می‌گیرد. این کمیته تا پایین‌ترین سطح معین دهکده همکاری‌هایی خواهد داشت. هسته مرکزی آن از رهبر مذهبی و لایساستمدار دیگر تشکیل می‌شود. ایران یک رئیس جمهور انتخابی خواهد داشت... این سند و دیگر اسناد موجود نشان می‌دهد که میناچی رابطه ای بسیار صمیمی با سفارت آمریکا داشته و بسیاری از مطالب محرمانه و مهم کشور را در اختیار سران ایالات متحده قرار می‌داده است. به طوری که یکی از منابع مورد وثوق آمریکا برای کسب اطلاعات از مشکلات و معضلات کشور شخص میناچی به عنوان وزیر اطلاعات دولت موقت بوده است.

توسلی؛ نخستین رابط آمریکا

نخستین تماس رسمی «نهضت آزادی» و سفارت آمریکا در تهران، در ماه می ۱۹۷۸ (اردیبهشت۱۳۵۷) در رستوران الچیکو در تهران انجام گرفت. در این ملاقات از طرف سفارت آمریکا، «جان استمپل» افسر اطلاعاتی سفارت آمریکا، و از طرف نهضت آزادی نیز «محمد توسلی» با نام مستعار «محمد توکلی» و همچنین «بهرام بهرامیان» حضور یافتند. طبق مفاد یک سند «سری» سفارت، این دو نفر در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (سوم مهرماه۱۳۵۷) نیز مجدداً با استمپل ملاقات می‌کنند. طبق یکی دیگر از اسناد سفارت آمریکا به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸- (۲۳ آذر۱۳۵۷)، استمپل اشاره می‌کند که محمد توسلی «رابط رسمی» نهضت آزادی با سفارت است. البته در این فاصله، توسلی در تاریخ های بیست و هفتم مهرماه و ششم آبان ماه نیز با استمپل ملاقات کرده بود. توسلی تا اواخر آذرماه۱۳۵۷ رابط میان «نهضت آزادی» و سفارت آمریکا بوده، پس از آن بنابر تصمیم مهندس بازرگان، «امیرانتظام» جایگزین وی می‌شود و از آن تاریخ به بعد ارتباط با سفارت آمریکا به عهده وی قرار می‌گیرد. اخبار و اطلاعات مربوط به حوادث دوران انقلاب اسلامی ابتدا از طریق توسلی و سپس از طریق امیرانتظام در اختیار آمریکایی‌ها قرار می‌گرفته است. لازم به ذکر است که طبق مفاد سند «سری» ششم ژوئن ۱۹۷۸ (شانزدهم خرداد۱۳۵۷)، افسر اطلاعاتی سفارت آمریکا اظهار می‌دارد که غیر از ارتباطی که از طریق محمد توسلی با نهضت آزادی دارند، با افراد دیگری نیز از نهضت آزادی در تماس هستند. البته محمد توسلی بعدها همچنان ارتباط فردی خود را با «جان استمپل» افسر اطلاعاتی سفارت آمریکا، حفظ می‌کند.

به عنوان نمونه می‌توان به ملاقات هجدهم دی ماه۱۳۵۷ و همچنین ملاقات بیست و چهارم خرداد ماه۱۳۵۸ وی با استمپل اشاره کرد.

